

مطالعه تطبیقی ساختارشکنی اشعار شاملو و کمینگز

حسن تاجیک*

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۶

کیان پیشکار**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۳

چکیده

ادبیات تطبیقی به عنوان علمی جدید پایه‌گذار دیدگاهی نوین در عصر مطالعات ادبیات جهانی می‌باشد و در تلاش است تا با ارائه زمینه‌های مشترک بین ملل و ادبیات آن‌ها به یک هم‌گرایی جهانی بهتری دست یابد. بررسی نوابغ ادبی از کشورهای دارای سبک ادبی برجسته و ممتاز که ممکن است دارای مشترکات زبانی، ساختاری، فرهنگی و حتی دینی مشترکی باشند می‌تواند به شکوفایی این حوزه کمک کند و در این راستا این مقاله در صدد است تا با بررسی دو شاعر صاحب سبک، صاحب نام، بزرگ و معاصر آمریکایی و ایرانی -/یبی کمینگز و/احمد شاملو- بر اساس اصول و تئوری پست مدرن ساختارشکنی و شالوده شکنی به اشتراکات زبانی، ادبی و سبک نوشتاری آن‌ها دست یابد. بررسی تطبیقی دو نویسنده بزرگ از دو کشور و فرهنگ مختلف بر اساس رویکردی نوین و پست مدرن نیازمند امکانات، منابع و همکاری‌های چند جانبه از سوی تمامی عوامل می‌باشد. با این حال این مقاله تلاش دارد با این رویکرد و با انتخابی که انجام داده روزه‌ای جدید را در زمینه مطالعات تطبیقی آن هم در زمینه ادبیات معاصر از دو کشور با زمینه ادبی عظیم و در عین حال کاملاً متفاوت را از دو شاعر صاحب سبک، شناخته‌شده و در عین حال با مقبولیتی ادبی، اجتماعی بررسی و ارائه کند.

کلیدواژگان: شاملو، کمینگز، ادبیات تطبیقی، ساختارشکنی.

مقدمه

احمد شاملو (۱۳۰۴) و ایی/ایی کمینگز (۱۹۶۲-۱۸۹۴) از بزرگان و مشاهیر ادبی معاصر ایران و آمریکا می‌باشند که تحقیقات گسترده‌ای بر روی آثار ادبی فاخر آن‌ها در طول دهه‌ها و سال‌های گذشته در ایران و آمریکا انجام گردیده است. شاملو به عنوان یکی از زبان‌های گویای زبان و ادبیات فارسی ایران جایگاه خاصی در میان جوانان، روشنفکران و منتقدین ادبی معاصر دارد که به علت زبان و سبک خاص و منحصر به فرد خود، در جامعه قبل و بعد از انقلاب از پذیرش و اقبال ادبی و اجتماعی بسیار بالایی در میان عوام و خواص جامعه برخوردار گردیده، و هم اکنون به عنوان یکی از شاخص‌ها و معیارهای سنجش ادبی در میان منتقدین و ادبا در نظر گرفته می‌شود. حجم عظیم مطالعات انجام‌شده بر اشعار، سبک گفتار، عقاید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی این شاعر بزرگ بیان‌گر جایگاه رفیع این شاعر بزرگ معاصر در ایران می‌باشد که هنوز نیاز به بررسی دقیق و موشکافانه بیش‌تری دارد تا سبک گفتار و نوشتار و عقاید ادبی ایشان کاملاً بر همه آشکار شود. ایی/ایی کمینگز (۱۹۶۲-۱۸۹۴) شاعر معاصر آمریکایی که مطالعات زیادی در ارتباط با سبک گفتار و عقاید اجتماعی او در محافل ادبی بین‌المللی ارائه گردیده و در ایران نیز در میان شاعران، منتقدین، نویسندگان و دانشجویان ایرانی به خاطر سبک نوشتار خاص خود دارای جایگاه خاصی می‌باشد، و منتقدین ادبی بزرگی در کشور مانند دکتر بهرام مقدادی و دکتر سیروس شمیسا درباره ایشان مطالب بسیاری نوشته‌اند و پایان‌نامه‌های بسیاری در موردی ایشان در دانشگاه‌های ایران مورد بررسی قرار گرفته تا شاید این شاعر تأثیرگذار آمریکایی در ایران بیش‌تر و بیش‌تر شناخته شده و سبک خاص نوشتاری ایشان، رمزها، ابهام‌ها و ابهامات موجود در سبک کم نظیر ایشان بر علاقه‌مندان مشخص و شفاف‌تر شود.

ساختار شکنی

ساختار شکنی از مکتب پسا ساختارگرایی است که از تأملات فلسفی درید/فیلسوف معاصر فرانسوی نشأت گرفته است. ژاک درید/ در طرح شالوده شکنی عمدتاً از سه حوزه فلسفه، روان‌شناسی و زبان‌شناسی الهام گرفته است (پیشکار، ۱۳۸۵: ۱۴). در حوزه

فلسفی تحت تأثیر شک فلسفی نیچه و هایدگر از حقیقت، دانش و هویت به نقد اصول متافیزیکی غرب پرداخته است. دریدا/ با استفاده از دیدگاه‌های فلسفی موجود نظریه ساختارشکنی خود را بر اساس اصول زیر ارائه می‌کند:

۱. تفاوت و تأخیر (Differance): دریدا/ بر اساس نظریه سوسور بیان می‌کند که چون دلالت (Significance) هر نوع بیانی چیزی به جز مجموعه تفاوت‌های آن با سایر دال‌ها (Signifier) نیست، مؤلفه‌های سازنده مدلول (signified) معنی که مؤلفه‌های شناساننده هستند، حضوری مثبت ندارند. پس معنی متن چیزی ثابت و معین نمی‌باشد. بلکه انعکاس و جلوه‌ای سیال است که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند بافت (Context) کلام و ذهنیت شنونده یا خواننده دائماً تازه می‌شود.

۲. مرکز زدایی (decenterism): دریدا/ با طرح و بیان معنی سیال و نامعین در حقیقت به تلاشی در جهت مرکز زدایی از متن می‌کند. چراکه در متافیزیک غرب، هر معنی حول یک مرکز دور می‌زند. این مرکز در حقیقت نیت، دیدگاه و نظر نویسنده است.

۳. تقابل‌های دوگانه (binary oppositions): دریدا/ اعتقاد به وجود تضاد و نظام دوگانه و دوقطبی متافیزیک غرب دارد. در این سیستم دوگانه، تضادها و تقابل‌ها همیشه بر اساس ضد خود تعریف بررسی می‌شوند (مقدادی: ۴۹).

ادوارد استیلن کمینگز

ادوارد استیلن کمینگز از شاعران و نقاشان برجسته ایالات متحده آمریکا می‌باشد که در ۱۴ اکتبر ۱۸۹۴ متولد شد و در سپتامبر ۱۹۶۲ درگذشت. او فوق لیسانس رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه هاروارد بود. مطالعاتش در آنجا او را به عنوان یک نویسنده پیش رو (آوانگارد) همچون گرتور/ استین و /زرا/ پوند شناساند. اولین مجموعه شعرهای او در سال ۱۹۱۷ در مجموعه «هشت شاعر هاروارد» چاپ شد. در همان سال ایالات متحده را به مقصد فرانسه به عنوان راننده داوطلب آمبولانس جهت شرکت در جنگ جهانی دوم ترک کرد. در طول جنگ با بیش از ۲۳ نفر از هنرمندان بزرگ جهان از جمله /رنست همینگوی ملاقات کرده و آشنا شد که تعداد عجیب و بالایی محسوب می‌شود. چند ماه بعد همراه با یکی از دوستانش، توسط نیروهای فرانسوی به اتهام جاسوسی (تجربه‌ای که

در رمان «اتاق‌های بی‌شمار» از آن یاد شده است) و به علت صحبت‌های ضد جنگ در اردوگاهی بازداشت گردید. بعد از جنگ زندگی خود را بین خانه‌ای در منطقه روستایی کانک تیکات و روستای گرینویچ تقسیم کرد. او به طور مکرر به پاریس می‌رفت و همچنین تمام اروپا مسافرت کرده و با شاعران، هنرمندان و از جمله با پابلو پیکاسو که آثار او را بسیار می‌ستودند، ملاقات کرد.

احمد شاملو

احمد شاملو (ا. بامداد) در سال ۱۳۰۴ در تهران به دنیا آمد. از آنجائی که پدرش نظامی بود معمولاً در حال انتقال از شهری به شهری دیگر بود و تحصیلات نامرتبی داشت. دبستان و دبیرستان را در خراسان گذراند اما در سال‌های آخر دبیرستان دوباره به تهران بازگشت.

تفاوت عمده شاملو با دیگر پیروان نیما و شباهت آن با *ایی/ایی* کمینگز آمریکایی، در کیفیت معناپردازی و استفاده از زبان است. شاملو و *ایی/ایی* کمینگز همانند نیما، معنا را در هاله‌ای از ابهام هنری قرار می‌دهد که قابلیت برداشت‌های معنایی متعدد، متفاوت، تأویل ساختار شکنانه و محور گریز را دارا می‌باشند. دیگر اینکه می‌توانند در حد نیما دوگانگی، جدایی بین فرم و محتوا به حداقل رسانده و دیگر اینکه فرم ذهنی اشعار آزاد احمد شاملو و *ایی/ایی* کمینگز به انسجامی بی‌نظیر رسیده‌اند و حتی می‌توان گفت که شاملو به سطحی بالاتر از نیما نیز رسیده است و حتی در همین اشعار آزاد «شاملو در شعر خود به زبانی دست یافته که در تار و پودش ضدیت با ابتذال نهفته است. در این زبان نه او مقدم دارد و نه تا کنون تالی» (کافی، ۱۳۸۰: ۳۰). این خصوصیات باعث گردیده تا اشعار آزاد او در میان پیروان و مقلدان نیما بی‌نظیر و ممتاز باشد.

نخستین شعرهای احمد شاملو همانند شعرهای *ایی/ایی* کمینگز دارای مشکلات دستوری با ایده‌های سنتی و عامیانه است. شاملو و کمینگز می‌خواستند زبان تازه‌ای ایجاد کنند که با این عمل، به دشواری‌ها و مشکلات بسیار گرفتار شدند. واژگان، الفاظ، تعبیرها و طرز بیان شاملو بر خلاف شعرهای نیما سرد و سیاه است.

آهای

از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید!
خون را به سنگفرش ببینید!

(مجموعه باغ آینه: ۱۳۳۸)

دوری از بیان شعری و پرگویی نثروار در بسیاری از شعرهای شاملو و کمینگز به چشم می‌خورد. همچنین لحن حماسی تغزلی و رمانتیک از روش‌های بیانی اوست. شعرهای او گاهی به قصد خوش تراش کردن کلام، به ساخت بیان حرفی، توضیحی و روایی، و گاه به تصویرگری‌ها، نمادگرایی‌ها و الگوسازی اساطیری و مذهبی رو دارد. این شعرها عموماً دارای درونمایه‌های رمانتیک و ترجیحاً تغزلی‌اند، حتی آن‌هایی که شاملو درباره مرگ گفته است:

مجال

بی رحمانه اندک بود و

واقعه

سخت

نامنتظر

از بهار حظ تماشایی نچشیدیم

که قفس

باغ را پژمرده می‌کند

از آفتاب و نفس

چنان بریده خواهم شد

که لب از بوسه ناسیراب

(تسلیمی، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

اشعار کمینگز نیز مانند شعرهای شاملو غنایی، لطیف و حساس هستند. اما این اشعار به علت عملکردهای عجیب در نحوه نگارش که مختص خود کمینگز بوده و به طور شگفت آوری گنگ و مبهم به نظر می‌رسند. به همین علت است که کمینگز را مشکل‌ترین شاعر ادبیات معاصر انگلیسی می‌شناسند. البته شعرهای او معنای ظریف

خود را در هر حال القاء می‌کند. اما غرابت نگارش و به هم ریختگی املائی (Typographic disarrangement) همواره مانعی است برای درک سریع‌تر، بهتر و صحیح اشعار او. برای مثال هرگز از حرف بزرگ انگلیسی استفاده نمی‌کند و یا آن‌ها را در جایی استفاده می‌کند که نبایستی استفاده شود، حتی اسم خود را e.e. cummings با حروف کوچک می‌نویسد. گاهی کلمات را عمودی:

L(a)
le
af
fa
ll
s)
one
l
(ness

یا افقی، گسترده و شکسته می‌کند. در ربط کلمات و عبارات، فاصله‌ها و فضاهایی خلاف معمول ایجاد می‌کند و گاهی اوقات فاصله بین دو سطر شعر نیز غیر طبیعی می‌باشد. معمولاً شعر را نقطه گذاری نمی‌کند. او به هیچ عنوان از دستور زبان انگلیسی تبعیت نمی‌کند البته برای همه نوآوری او حکمت و دلیلی می‌توان در نظر گرفت چراکه در رشته ادبیات انگلیسی در کشور خود فردی بااطلاع می‌باشد و می‌توان گفت برای خود دستور زبان خاصی A Private grammatical ایجاد و زمانی خاص را ابداع نموده است. برای مثال انتظار می‌رود که بعد از عبارت "می‌خواهم درختی را" فعل‌هایی از قبیل "تماشا کنم، لمس کنم، ببویم، ببرم،" استفاده شود اما فعلی را به کار می‌برد که کاملاً غیر عادی می‌باشد و قدرت انتظار و درک خواننده را به هیچ برساند: "می‌خواهم درختی را ادا کنم" و در جای دیگری می‌گوید:

اگر نتوانی بخوانی باید بمیری

و ما چیزی نداریم

(که آن را) بمیریم

و فعل مردن را که فعلی لازم است به صورت فعل متعدی به کار می‌گیرد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵). مثال‌هایی از این دست در شعر او فراوان است، به نحوی که در کتاب‌های

زبان‌شناسی و سبک‌شناسی سال‌های اخیر معمولاً در بحث انحراف زبانی، خروج از دستور زبان و عدول از هنجارهای دستوری (Deviation from the norm) ابیاتی از او را مثال می‌زنند و احیاناً مرتکب اشتباهی هم می‌شوند، برای مثال *مانفرد بی یرویش* می‌نویسد که در شعر زیر:

Window go orange in the slowly
Town , night
Featherly swifts
The
Dark on us
All(Miller-1986 pp.349,354)

پنجره‌ها نارنجی می‌شوند در آرامانه

شعر شب

پروانه می‌کند

آن

تاریکی را بر ما

همه

کمینگز به غلط قید *slowly* (آرامانه) را به عنوان صفت به کار برده است و نیز بر خلاف اصول موجود از اسم *feather* (پر) قید ساخته است (شمیسا: ۱۵).

البته گرچه با توجه به ظاهر امر سخن این زبان‌شناس صحیح می‌باشد اما افرادی که با شعر کمینگز آشنا هستند می‌دانند که او *slowly* را در نقش صفت به کار نبرده است، بلکه در نگارش، در نحو جمله، محل کلمات را عوض کرده و در حقیقت ترجمه مفهوم می‌تواند چنین باشد:

پنجره‌ها آرام آرام در شهر

نارنجی می‌شوند، شب

تاریکی را بر فراز همه ما

پر وار (همچون پر)

می‌باشد

کمینگز به تضاد و استثنای منقطع بسیار علاقه‌مند است:

هر صبح آواز خوانان بیرون از هر شب
پدر از میان اعماق بلندی حرکت می کرد

Singing each morning each night
Father moved through depths of
height

غریب نویسی نیز از اصول اصلی نوشتار کمینگز می باشد. او بر خلاف اصول سنت نویسان یا به قول بعضی از منتقدان این بررسی مجدد (Reevaluation) زبان را برای اولین بار در «اتاق بسیار بزرگ» به کار برده؛ در آنجا شخصیت زولو را با Is نشان می دهد یعنی اسم را به فعل تغییر داده است.

از دیگر موارد غریب نویسی کمینگز استفاده از پرانتز می باشد. بر اساس اصول ساختارشکنی اشعار او سرشار از پرانتز می باشد، پرانتزهایی که گاهی اوقات بسته نمی شوند. از کاربردهایی که این پرانتزها دارا می باشند می توان به فشردن سازی زمان اشاره نمود و بعضی وقتها نیز با آن افکار، بستر و زمینه یک زندگی را در بستر، افکار و اندیشه زندگی دیگری بیان می کند.

علی رغم علاقه اش به روش و سبک آوانگارد (پیشرو) اغلب آثار منظوم او به صورت سنتی می باشند. اکثر شعرهای او غزل بوده و از سبک، روش و قالب blues استفاده کرده است. درونمایه و بنمایه اصلی شعرهای او عشق، طبیعت و همچنین رابطه بین فرد با توده مردم و جهان می باشد. اغلب شعرهای او معروف و محبوب و اکثراً بر پایه هجو می باشد. گرچه قالب، ساختار و درونمایه شعرهای کمینگز نشانگر ارتباطی مستمر با سنت رمانیسم می باشد اما در حقیقت آثار او بیانگر گرامر و ساختاری شخصی می باشد. یعنی کلمات در عبارتها و جملاتی طولانی گردآوری شده اند. اغلب آثار برجسته او هیچ گونه ساختار مرسوم چاپی و یا علامت گذاری را نداشته و فقط صرفاً ساختاری نحوی می باشند.

علی رغم تأثیرپذیری گسترده ای که از نویسندگان مدرنی مانند/یستن و پاوند داشته، اما آثار اولیه اش آثار ایماژیستی (تصویرگرایی) خصوصاً سبک آمی لول هستند. بعد از اینکه از پاریس دیدن کرد تحت تأثیر مکتبهای دادائیسم و سورئالیسم قرار گرفته و شدیداً در آثارش تأثیر گذاشت. همچنین در اشعار خود به شدت از تصاویر و

درونمایه‌های طبیعت و مرگ استفاده کرده است. گرچه برخی از اشعارش، شعر آزاد می‌باشند و اما اغلب اشعار او به عنوان غزل‌های چهارده خطی با قافیه‌ای پیچیده سروده شده‌اند. برخی از خصوصیات شعری او عبارت‌اند از سبک چاپی بسیار سرزنده و شاد، همراه با کلمات یا بخشی از کلمات، نمادهایی از نشانه‌های علامت گذاری که اغلب در متن پخش شده‌اند و باعث می‌شوند شعر بلند خوانده شود به نحوی که گاهی اوقات باعث می‌شود معانی و احساسات کاملاً مشخص شوند. با توجه به اینکه کمینگز نقاش نیز بوده او از اهمیت چگونگی ارائه تصویرهای نوشتاری در اشعارش آگاه بوده است. اگرچه برخی از آثار معروف و برجسته /یی/یی/ کمینگز همانند /حمد شاملو هیچ گونه قالب نوشتاری و علایم نشانه گذاری خاصی ندارد اما هنوز هم سبکی بی نقص در نظر گرفته می‌شود، به همین دلیل تأثیر سبکی گرتروود /ستین بیش از هر کس دیگری در اشعار او قابل مشاهده می‌باشد.

بسیاری از اشعار کمینگز همانند /حمد شاملو دارای بار معنایی اجتماعی بوده و جامعه را مورد هجو و کنایه قرار می‌دهد اما در عین حال دارای پایه رمانتیک بسیار قوی‌تری می‌باشد و در آن عشق، روابط جنسی، و فصل تولدی دوباره را تمجید و ستایش می‌کند.

دقیقاً در

بهار زمانی که دنیا گل آلود

زیباست کمی

بادکنک فروش شل

از دور و نزدیک

فریاد می‌زند

وادی و بیل می‌آیند

دوان دوان روی سنگ‌های مرمر

با نقاب دزدان دریایی و آن

بهارست

وقتی که جهان سرشار از آبچاله- شگفت آور است

عجیب و عوضی

بادکنک فروش پیر ناله می کند

از دور و نزدیک

بتی و ایزابل رقص کنان

لی لی کنان با طناب بازی و

بهاراست

و

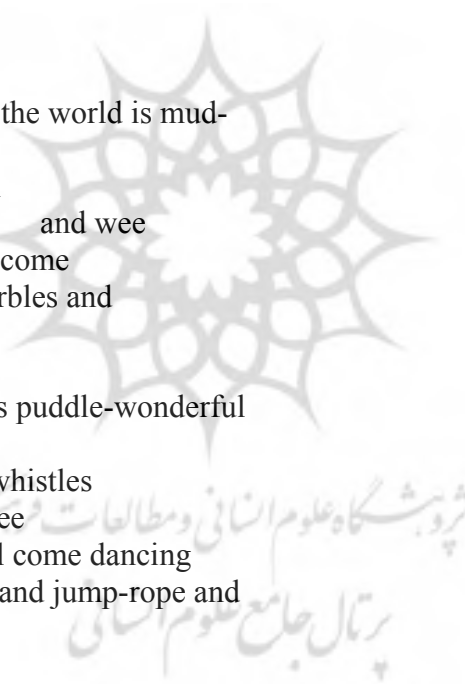
پیرمرد بادکنک فروش

بزپا ناله می کند

دور

و نزدیک

in Just-
spring when the world is mud-
luscious the little
lame balloonman
whistles far and wee
and eddieandbill come
running from marbles and
piracies and it's
spring
when the world is puddle-wonderful
the queer
old balloonman whistles
far and wee
and bettyandisbel come dancing
from hop-scotch and jump-rope and
it's
spring
and
the
goat-footed
balloonMan whistles
far
and
wee



البته این تجزیه و تحلیل و بررسی با تأویل پذیرفته شده اصول نقدابی که دربرگیرنده آثار کمینگز است همراه می‌باشد، و سپس منجر به قرائت جدیدی از اشعار او بر اساس اصول و قالب پسا ساختارگرایی خواهد شد که تئوری‌های آن بر اساس نظریه‌های ژاک دریدا می‌باشد. این اصول و قالب‌های نقدابی دربرگیرنده سه ویژگی خاص برای تأویل و بررسی شعرهای کمینگز می‌باشند: اول اینکه شعر بالا نتیجه‌ای است که از دیدگاه و بر اساس تجربه کودکی بیان گردیده است. ضمناً شخصیت مرد بادکنک فروش شخصیتی نمادین و سمبلیک می‌باشد و سرانجام اینکه ساختار دستوری عجیب و عمدی کمینگز ارائه کننده این است که از دیدگاه یک نقاش بیان شده است. برای تأیید نظر اول نیازی نیست که جایگاه کمینگز را بیش از آنچه که در کتاب «لاله‌ها و لوله بخاری‌ها» بیان شده بررسی کنیم. شعر «دقیقاً» بخش اولی مجموعه‌ای تحت عنوان «آواز معصومیت» می‌باشد و به طور روشنی به مجموعه شعر ویلیام بلیک تحت عنوان «ترانه‌های معصومیت» وصل می‌شود که به طور ساده بیان گر و ارائه کننده مجموعه‌ای از شعرهای ساده و بچگانه می‌باشد. در حقیقت شعر «دقیقاً» دارای همان توصیف ساده می‌باشد و ارائه کننده مطالبی است که فقط یک کودک می‌تواند آن را بیان کند. ترکیبات غیر عادی دیگری که کمینگز آن‌ها را ابداع کرده "یک زبان کودکانه" مانند "گل آلود خوشمزه و دلپذیر" و "آبچاله شگفت آور" است.

این ترکیبات و کلمات مرکب توسط ریچارد کندی (کندی، ۱۹۷۶) بر اساس اصول ساختار شکنی و تقابل‌های دوگانه "لذت طبیعی کودکان و تنفر بزرگسالان" توصیف شده است. کودکان در حال بازی "روی مرمرها" با "نقاب دزدان دریایی" "لی لی کنان" و "طناب بازی" هستند. دنیای معصومانه‌ای که هم‌زمان همراه با انحرافات جنسی و ممنوع می‌باشد که در صورت مراجعه به خود شاعر می‌تواند بیان گر و القاء کننده اشاره‌ای به جوانی است که جزء الهامات موجود در شعر «دقیقاً» می‌باشد. کندی در زندگینامه کمینگز بیان می‌کند که: «برف‌های آب شده بهار که چاله‌های خیابان را پر کرده‌اند در کنار چاله بزرگ "گل زیبا و دلپذیر" می‌باشد در سال‌های آینده‌ای که می‌آیند خاطرات این اتفاقات سالانه همراه با حرکت و فریاد بادکنک فروش و لذت بازی کودکانه در کنار هم الهام کننده موضوع بهترین شعر کمینگز، «دقیقاً»، می‌باشد».

کمینگز این خاطرات کودکی را به یاد می‌آورد اما در تلاش است که به دور از دیدگاه بچگانه باشد. این شعر دارای کیفیت نفس‌گیری بوده و زبان آن بر اساس شعر کودکانه با درونمایه‌های مختلف می‌باشد. تأثیر شعر کودکانه درونمایه‌های مختلف می‌باشد، تأثیر "شعر کودکانه" با تکرار کلمه "و" بیش‌تر شده و سه بخش شعری تکراری بر اساس اصول ساختارشکنی بیان‌گر محدودیت لغوی، زبان‌شناسی و دانش شعر کودکان می‌باشد. بادکنک فروش می‌تواند نمادی از باروری و پویایی نیز باشد چراکه باعث متمایز شدن جنس دختران و پسران از یکدیگر بوده و می‌تواند همانند خدایگانی در نظر گرفته شود که با آن معصومیت و پاکی به پایان می‌رسند. از آنجائی که بز همواره سمبل و نمادی از شهوت‌رانی و عیاشی بوده بر اساس دیدگاه‌های ساختارشکنی "بادکنک فروش بز پا" را نمادی از غرایز جنسی، هرزگی و شهوت‌رانی دانست. بنابراین تمامی مفاهیم و معانی معصومیت و پاکی موجود در شعر به وسیله نمادها و نشانه‌های جنسی بزرگسالان تحت شعاع قرار گرفته و کمرنگ می‌شوند. این دیدگاه منفی تلقی می‌شود چراکه کودکی و معصومیت از دست رفته است و این فقط معصومیت کودکانه است که می‌تواند "رازهای ملیت" را تشخیص دهد (باری، ۱۹۶۴: ۷۱-۷۰). البته در مراحل بعدی نقد، تحلیل و تأویل ساختارشکنانه می‌توان مشاهده کرد که این نمادهای تصویری نمی‌توانند نشان دهند که چگونه تضادها و تقابلهای موجود در معانی سطحی معصومیت می‌توانند بیان‌گر نهایت طبیعت شهوانی موجود در شعر باشند. البته این تقابل و تضادها می‌توانند در ساختار شعر نیز مشاهده شده و مورد بررسی قرار بگیرند و در صورتی که همراه با نقد سنتی باشند بهتر درک خواهد شد. تفسیر و تأویل ساختارشکنانه بهار و تصاویر ذهنی و بصری آن بر دو نظر عمده ساختارشکنی استوار می‌باشند. اول اینکه تنظیم فضا در شعرهای کمینگز می‌تواند با معنی آن نیز در ارتباط باشد اما گاهی اوقات فقط می‌تواند ارائه‌کننده لذتی ناشی از قالبی باشد که در تکرار عبارت "دور و نزدیک" وجود دارد. این قالب "لذت و خوشی" موردی می‌باشد که همواره به درک عمیق کمینگز از اشکال بصری که به صورت نقاشی مورد استفاده قرار می‌گیرند مرتبط می‌باشد. در عین حال استفاده "از فضای سفید و خالی یا بین خطوط کمینگز را قادر می‌سازد که آهنگ شعر را تنظیم کند" این بسیار مهم است "آنچه که به نظر می‌رسد به طور شخصی سریعاً

آشکار کننده نوعی علامت و نشانه گذاری است که همانند استراحتی آهنگین می‌باشد. بنابراین "قالب لذت" در مسیر خلاف و بر عکس "نشانه موسیقیایی" قرار می‌گیرد و علاوه بر آن منتقدین متوجه نبود و کمبود عنصر نشانه گذاری خواهند شد که به صورت عمدی شکل گرفته است چون "فعلی که کمینگز توصیف می‌کند همانند نقاشی آبرنگ نشانه گذاری با عبارت و جمله‌ای کامل که با ترسیم کننده "زمان گل دلپذیر" می‌باشد را توصیف خواهد کرد. "زمانی که دو عنصر اصلی شعر ایجاد کننده نوعی عدم تفاهم در شعر باشند که از اصول اصلی و اساسی ساختارشنکی نیز می‌باشد کلمات با حروف بزرگ نوشته شده "بادکنک فروش" می‌تواند نمادی از تغییر در جهت پایان کودکی و شروع بزرگسالی باشد و بر اساس اصول پسا ساختارگرایی بسیاری از منتقدین بر این باورند که فشردگی کلمات باعث افزایش حس سرعت و تعجیل در متن گردیده است. طبق قالب و رویکردهای موجود پسا ساختارگرایی و ساختارشنکی با تأکید بر کلمه "مرد" شاعر در تلاش است یا به درونمایه پنهان شعر که همان مسائل جنسی است بپردازد و یا دیدگاه خود را درباره بزرگسالی و بلوغ نشان دهد (کندی: ۲۹۷). در تلاش برای یافتن "حقیقت" یا "معنی" برای شعر "دقیقاً" منتقدین بخش‌هایی از شعر را که به نظر ناگهانی و عجیب می‌رسد همراه با درونمایه کلی معصومیت/ کودکی تفسیر و بررسی کرده‌اند، و برخی دیگر به علت معروفیت کمینگز تلاش کرده‌اند از بررسی عجیب و غیر عادی بودن ساختار گرامری و نوشتاری او چشم پوشی کنند.

بری مارک چنین برداشت می‌کند که «بادکنک فروش به صورت هوای بهاری ناپدید شده و در نتیجه صحنه‌ای پر برکت عطا شده از سوی بان خدای بز پا را به جا می‌گذارد» (بری: ۳۷). در عین حال طبق نظر بتنی/دمن آنچه در این صحنه به جا می‌ماند «معصومیت بازی کودکانه‌ای است که فقط به علت شناخت شاعر از آن چیزی است که بادکنک فروش به این صفحه به عنوان توجهی بالقوه از اصول ساتیری ارائه می‌کند» (بامز و نوبل، ۱۹۷۴: ۲۳). برخی از منتقدان ساختارشنکن بر این اصل تأیید دارند که بزها اصولاً سمبلی از شهوترانی بوده که کاملاً با خصوصیات کودکی در تضاد می‌باشند و حرف بزرگ "مرد بادکنک فروش" تأکیدی است بر حضور بزرگسالان در دنیای کودکان و این باعث گردیده است که "بادکنک فروش" کودکان به دنیای پیچیده

بزرگسال بکشاند. در چنین شرایطی است که کودکان وارد فرایند دشوار و غیر قابل برگشت عبور از معصومیت به دانش و آگاهی، که به نوعی "بیان‌گر رشد" می‌باشد می‌شوند. اما نظر منتقدین ساختارشکن بر این است که این کودکان همچنان کودک باقی می‌مانند و آنچه که تغییر می‌کند مرد بادکنک فروش می‌باشد و این شاید القاء‌کننده آرزوی شاعر برای تأکید مرد در کلمه مرد بادکنک فروش باشد، چراکه کودکان دچار تغییر جسمی نشده‌اند و دچار تغییر رفتار (خصوصاً جنسی) نگردیده‌اند. اگر مصرع‌های اولیه شعر دوباره مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد مشاهده خواهد شد ابهام و ابهامات فراوانی در آن وجود دارد و البته کمینگز به خاطر استفاده خاص از ترکیب و ساختار کلمات در جمله و ایجاد معانی جدید نیز معروف می‌باشد و تصور بر این است که خطوط اولیه شعر برای این دوباره ترکیب بندی شده‌اند تا شاعر بتواند تأثیر دلخواه خود را به دست آورد یعنی با قرار دادن:

دقیقاً در-

بهار

بدون حرف بزرگ مایل بوده که بیان می‌کند این عمل و فعل فقط می‌تواند در فصل بهار روی دهد. البته در چنین حالتی باید آن خط تیره نیز نادیده گرفته شود اگرچه این خط تیره در تغییر معنی ساختار استفاده شده نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و آن برای ایجاد یک ترکیب جدید:

دقیقاً در- / بهار

خواهد بود. در عین حال ساختار شکنان بر این باورند که حرف بزرگ می‌تواند اشاره‌ای باشد به "عدالت" عدالتی که همیشه با حروف بزرگ نوشته نمی‌شود. نظر دیگر می‌تواند بر این اصول ساختارشکنی پایه ریزی شود که ابتدا کلمه بهار به همین علت با حرف بزرگ نوشته نشده است و «عدالت/ فقط» اینگونه با حرف بزرگ نوشته شده است. شاید به این علت که شاعر عمداً حرف بزرگ کلمات را در جایی قرار می‌دهد که بتواند معانی بیش‌تری را به دست آورد. این تفسیر ساختارشکنانه به ما اجازه فهمیدن و درک "ترکیبات لغوی جدید" را امکانپذیر می‌سازد که شاعر آن‌ها را برای بکارگیری ابداع نموده است. تعریف و توضیح لغتنامه‌ای عبادت است از اینکه "نجوا" می‌بایست آرام،

کم‌صدا و خاموش می‌باشد: ۱. در صورت توضیح عامیانه (slang) به معنی ادرار کردن می‌باشد و این تعریف و توضیح ساختار شکنانه دور از حقیقت نمی‌باشد چرا که در مورد کودکان به کار برده می‌شود و اشاره‌ای نیز به "گل دلپذیر و خوشایند" می‌باشد که همواره مورد علاقه کودکان بوده و همواره افراد بزرگسال از آن گریزان بوده‌اند. یک زمینه معنایی نجاست دوستانه‌ای که در شعر خود را نشان می‌دهد. بر پایه ساختار شکنی و شالوده شکنی "بادکنک فروش" از خود نشانه‌های بازی را نیز بروز می‌دهد. کلمه "عجیب- هم جنس باز" می‌تواند بیان‌گر این عقیده نیز باشد که آن بین دو کلمه دیگر به کار برده شده است و البته نبود اصول علامت و نشانه گذاری نیز به این نوع تفسیر و تأویل کمک می‌کند.

در بررسی شعر دوم کمینگز تأثیر کار تجربی وی همانند مالارمه (Mallarme) که ایجاد کننده بحران زبان به وسیله به نمایش گذاشتن ارتباط سست و یا محکم و پایدار موجود بین معانی، و قالب و بین اشکال مختلف ساختارهای دستوری می‌باشد. ژاک دریدا بر این باور است که این بحران‌ها و برخوردها ناشی از «منطق زبان و نه انحراف زبان می‌باشد» (اترلیج، ۱۹۹۶: ۲۹). شعر مورد نظر عبارت است از:

L(a	بر)
le	گی
af	فرو
ll	می
S)	افتند)
one	تن
L	ها
iness	ئی

(شمیسا: ۲۳)

این شعر شبه هایکو به عنوان بهترین اثر خلق شده کمینگز که دارای ظرافت ادبی خاص می‌باشد در نظر گرفته شده است که فقط دربرگیرنده چهار کلمه "برگی، تنها، فرو، می‌افتد" می‌باشد. البته در نگاه اول این انسجام عبارت موجود بسیار درست می‌باشد

چراکه بر اساس اصول ساختارشکنی "افتادن" عملی است عینی و ملموس در حالی که "تنهایی" کلمه‌ای ذهنی است. برخی از منتقدین ساختارشکن معتقدند که این شعر بیان‌گر توصیفی کوتاه از پاییز است و فرو افتادن "برگی تنها" بیان استعاره‌ای از تنهایی مادی و معنوی می‌باشد. بنابراین تنهایی همانند "سقوط برگی" می‌باشد و یا احساس تنهایی، احساسی است که کسی در حال تماشای سقوط برگی تنها در پاییز را دارد.

خود کمیگز در نامه‌ای در یازدهم دسامبر ۱۹۵۰ که در سال ۱۹۵۱ چاپ گردید. این شعر را اینگونه توصیف می‌کند: «این شعر تصویر هجوی است از اصول علمی مورد قبول ابر احمقانی است به علت خواندن متنی فوراً قبول کرده و عمل می‌کنند». همچنین دیتریش اعتقاد دارد که «این شعر کمیگز بیان‌گر استفاده‌ای نیشخند دار و طنزی اعتراض آمیز علیه روش‌های تئوری‌های جدید علمی است که هر روز روح بشریت را بر اساس قالب‌های مکانیکی و ماشینی جهان محدود می‌سازند. این شعر از دیدگاه اصول ساختارشکنی بر قیاس دو تصویر موجود اول تئوری دنیای "کج و منحرف شده" /نیشستین و دوم "توپ بیلارد" بنا نهاده شده است». لفظ زبانی - در - گونه که جمله از هم پاشیده قبلی را کنار می‌زند و این تحول از نظر ساختارشکنی در شعر بیان‌گر بحران موجود در آن است.

نتیجه بحث

ادبیات تطبیقی یکی از بهترین رویکردها برای آشنایی ملل مختلف با آثار و شاهکارهای ادبی یکدیگر می‌باشد. به طور اساسی از زمانی مطرح شد که ارتباط بین ملت‌ها گسترش یافته و رفت و آمدها فزونی گرفت (رادفر: ۷۹-۸۰). ادبیات تطبیقی نه تنها در پی ایجاد ارتباط و گفت‌وگو با دیگر رشته‌های علوم انسانی است، بلکه در صدد ایجاد تفاهم میان فرهنگ‌های مختلف است (حسن زاده، ۱۳۸۸). در این میان بررسی تطبیقی ساختارشکنی در اشعار /بی/بی کمیگز آمریکایی به عنوان یکی از نویسندگان بزرگ مدرن و پست مدرن و یکی از پر خواننده‌ترین شاعران آمریکا با /حمد شاملو یکی از تأثیرگذارترین شاعران و منتقدان معاصر ایران نشان‌گر وجود عناصر، رویکردها، دیدگاه‌ها، و قالب‌های مشترک در بین نویسندگان دو کشور علی‌رغم تفاوت‌های اخلاقی،

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. این مفاهیم مشترک در قالب و بسترهایی متفاوت با دیدگاه‌هایی مشترک و باز هم در زبان‌هایی متفاوت بیان شده‌اند. عنصر ساختارشکنی نیز یکی از بهترین رویکردها برای واشکافی درونمایه‌ها و بن‌مایه‌های ارائه شده در ساختارها و زبان‌های مختلف می‌باشد که با استفاده از اصول موجود خود باعث می‌شود خواننده با دیدی بازتر و آگاهی بهتر و بدون هر نوع حب و غرض وارد متن شده و از ادبیات بکاررفته در قالب‌های مختلف لذت ببرد، و در صورت بکارگیری این رویکرد همراه با بررسی تطبیقی شاهکارهای کشورها و زبان‌های مختلف بازکننده دریچه‌ای جدید برای این مطالعات خواهد بود. همانگونه که این مقاله در صدد انجام این مهم بوده است.



کتابنامه

- بهنام، جمشید. ۱۳۸۱ش، *ادبیات تطبیقی*، تهران: نشر بینا.
- پاشایی، ع. ۱۳۷۸ش، *از زخم قلب*، تهران: نشر چشمه.
- پیشکار، کیان. ۱۳۸۶ش، *راهنمای نقد عملی و تحلیلی ادبیات انگلیسی*، جیرفت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.
- پیشکار، کیان. ۱۳۸۶ش، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، جلد اول، جیرفت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.
- داد، سیما. ۱۳۸۲ش، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- دریاء، ژاک. ۱۹۹۲م، *نقش ادبیات*، لندن: راتلج.
- زرقانی، مهدی. ۱۳۸۶ش، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، بی جا: بی نا.
- شاملو، احمد. ۱۳۷۶ش، *شاعر شبانه‌ها و عاشقانه‌ها*، تهران: مروارید.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۷ش، *شعرهایی از او*، تهران: انتشارات فردوس و مجید.
- سفاری (صورتگر)، کوکب. ۱۳۵۷ش، *افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- کافی، مرتضی. ۱۳۷۱ش، *به نقل از چهار افسانه شاملو*، محمد حسین نوری زاد، تهران: دنیای نو.
- مقدادی، بهرام. ۱۳۷۸ش، *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی*، تهران: انتشارات فکر روز.
- ولک، رنه. ۱۳۸۱ش، *تاریخ نقد جدید*، ترجمه سعید ارباب، تهران: نشر نیلوفر.

کتاب انگلیسی

- A Derrida Reader: Between the Blinds. Ed. Peggy Kamuf. Hemel, Hempstead: Harvester Wheatsheaf, 1991.
- Attridge, Derek. *Acts of Literature*. Ed. London: Routledge 1996.
- Barry Marks Cummings, E. E. *Selected Letters of E. E. Cummings*. Ed. F. W.
- Barry A. Marks, E. E. Cummings (New York: Twayne, 1964): 70 and 71.
- Brault and Michael Naos, London: University of Chicago Press, 1993.
- Cohen, Milton M. *Poet and Painter: The Aesthetics of E. E. Cummings's Early Work*. Detroit: Wayne State University Press, 1987.
- Fairley, Irene R. *E. E. Cummings and Ungrammar*, New York: Watermill Publishers, 1975.
- Heusser, Martin. *I Am My Writing: The Poetry of E. E. Cummings*. Tübingen: Stauffenburg Verlag, 1997.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- برز، چرالد. ۱۳۸۵ش، «*ساختارگرایی، ساختار شکنی و هرمنوتیک*»، ترجمه کیان پیشکار، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.

- حسن زاده، شهریار. ۱۳۸۸ش، «تجلی و تلاقی هفت عشق در آثار مولانا و پائولو کوئلیو»، فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.
- رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۸۷. «پژوهشی تطبیقی در وجوه مشترک فرهنگ و ادبیات فارسی و یونانی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.
- رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۸۷ش، «ادبیات معاصر فارسی در ترازوی ادبیات تطبیقی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت.
- ساجدی، تهمورث. ۱۳۷۹ش، رساله ادبیات تطبیقی دانشگاه تهران.
- محقق، مهدی. ۸۳/۷/۶. «ادبیات تطبیقی فارسی و عربی»، تهران: روزنامه اطلاعات.
- محمدی بدری، نرگس. ۱۳۸۵ش، «بررسی تطبیقی نیمه ناتمام در اشعار فروغ و شاملو»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۵۵.
- موسوی، حافظ. مهر و آبان ۱۳۷۹ش، «شعر مدرن: بحران معنا»، مجله دریچه (ویژه شعر امروز).
- یوست، فرانسوا. ۱۳۸۷ش، «مفهوم ادبیات جهان»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی